

نخستین گزارش‌های غربیان از یورش آل سعود و وهابیان به کربلا (۱۲۱۶ ق.۰)

کامران محمدحسینی*

چکیده:

حمله دولت آل سعود اول به کربلا در سال ۱۲۱۶ ق. ۱۸۰۲ م. خطر وهابیان را برای دولت عثمانی آشکار کرد و غربیان را نیز به اندیشه شناخت این گروه انداخت. پس از این واقعه، چند کتاب درباره وهابیان در کشورهای اروپایی به قلم خاورشناسان و دیپلمات‌هایی که در کشورهای اسلامی حضور داشتند منتشر شد که شامل شرحی از این واقعه نیز بود. این مقاله گزارشی است از واقعه حمله به کربلا، به روایت نخستین منابع غربی که در نیمه نخست سده نوزدهم میلادی نوشته شده‌اند. در اینجا افزون بر گزارشی از شرح واقعه به قلم این نویسندگان، منظر آنان در تحلیل زمینه‌ها و پیامدهای این واقعه بازتاب یافته است. افزون بر برخی اطلاعات تازه که نویسندگان غربی درباره واقعه به دست داده‌اند، دیدگاه آنان در تحلیل سیاسی و اقتصادی این واقعه قابل توجه است. نقش زمینه‌ای ضعف امپراتوری عثمانی در این واقعه، انگیزه‌های اقتصادی وهابیان و تأثیر اقتصادی و سیاسی این حمله در توسعه قدرت آل سعود از جمله این موارد است. کلید واژه‌ها: آل سعود، کربلا، نویسندگان غربی، وهابیت، حکومت عثمانی.

* . دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، مسئول دانشنامه حج و حرمین شریفین.

یورش آل سعود به کربلا در سال ۱۲۱۶ ق.م. ۱۸۰۱م. در زمان حکمرانی عبدالعزیز بن محمد (۱۱۷۹-۱۲۱۸ ق) و به فرماندهی پسرش، سعود بن عبدالعزیز، کشتار مردم این شهر و تخریب بارگاه امام حسین علیه السلام، افزون بر تأثیری که بر روابط سیاسی آنان با حکومت‌های عثمانی (۶۹۹-۱۳۴۲ ق) و قاجار (۱۱۹۳-۱۳۴۲ ق)، داشت، نام و آوازه این گروه را نه تنها در جهان اسلام، بلکه نزد غربیان و دولت‌های اروپایی بر سر زبان‌ها انداخت (وایندر، ۱۴۳۴ ق، ص ۳۷). تا پیش از این واقعه، فعالیت وهابیان به سرزمین‌های داخلی جزیره العرب و به خصوص نجد محدود بود. اما با یورش به کربلا، سعودیان توانایی خود را برای نفوذ به مناطق داخلی تر امپراتوری عثمانی نشان دادند و توجه ناظران بیشتری را به خود جلب کردند. از همین زمان بود که اروپاییانی که در سرزمین‌های اسلامی حضور داشتند، به نگارش آثاری در شناساندن وهابیان دست زدند. بدین ترتیب نخستین آثار مستقل در باب تاریخ وهابیان به زبان‌های اروپایی نوشته شد.

در این نوشتار بر اساس این نخستین نوشته‌های غربیان درباره وهابیت، تاریخ واقعه یورش وهابیان به کربلا را بازخوانی خواهیم کرد و به دنبال پاسخ به این پرسش خواهیم بود که این واقعه در این منابع چگونه گزارش شده است. این پرسش، هم ناظر به چگونگی شرح واقعه و جزئیات آن است و هم ناظر به دیدگاه و تحلیل این نویسندگان درباره علل و پیامدهای آن. شرح واقعه در آثار نویسندگان غربی که در این نوشته مورد بررسی قرار گرفته‌اند، از این لحاظ شایان توجه است که بیشتر این آثار امروزه جزو منابع اولیه برای مطالعه واقعه به شمار می‌آیند. این نویسندگان در سال‌های نزدیک به واقعه در عراق و ایران و مصر و جزیره العرب حضور داشتند و به نحوی با وهابیان یا با تشکیلات سیاسی عراق و حکومت بغداد مرتبط بوده و به نظر می‌رسد به اطلاعات مفیدی دسترسی داشته‌اند. از منظر تحلیل واقعه نیز، نگاه سیاسی و اقتصادی این نویسندگان درخور اعتناست.

محدوده بررسی ما تنها شامل آن دسته از آثار منتشر شده غربیان است که در دهه‌های نخست سده نوزدهم میلادی نوشته شده و گزارشی از ماجرای حمله به کربلا به دست داده‌اند. آثار بررسی شده در این مقاله، بخش عمده‌ای از گزارش غربیان درباره حمله وهابیان به کربلا را در بر می‌گیرد. اما با این حال نمی‌توان گزارش غربیان را به این آثار

محدود کرد و امکان پژوهش بیشتر در این زمینه با بررسی اسناد به جای مانده در زبان‌های اروپایی همچنان وجود دارد.

در این نوشتار، ابتدا تاریخ ظهور وهابیان و دولت آل سعود اول را به اختصار مرور می‌کنیم و سپس به معرفی هفت اثر از نویسندگان غربی می‌پردازیم که گزارش آنان از واقعه یورش آل سعود به کربلا در این مقاله بررسی شده است. در ادامه، گزارش این نویسندگان را در دو بخش زمینه‌ها و پیامدها، و توصیف واقعه، شرح و بررسی خواهیم کرد.

آل سعود، خاندانی است از قبیله مسالخ از عرب‌های عنزه (العشیم ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۸۵) و سلسله‌ای از حاکمان منسوب به سعود بن محمد بن مقرن (م. ۱۱۳۷ق/ ۱۷۲۴م)، که امروزه بر کشور عربستان حکومت می‌کند. سعود در «درعیه» امارت کوچکی داشت و پسرش، محمد بن سعود در سال ۱۱۵۸ق با محمد بن عبدالوهاب، مؤسس وهابیت هم‌پیمان شد (ابن غنام، ۱۴۱۵ق، صص ۸۷-۸۶). محمد بن سعود (۱۱۴۸-۱۱۷۹ق)، عبدالعزیز بن محمد (۱۱۷۹-۱۲۱۸ق)، سعود بن عبدالعزیز (۱۲۱۸-۱۲۲۹ق) و عبدالله بن سعود (۱۲۲۳-۱۲۲۹ق) چهار امیر این خاندان‌اند که توانستند قدرت خود را در نجد و سپس مناطق دیگر جزیره‌العرب، از جمله مکه و مدینه، توسعه دهند و دولت آل سعود اول را تشکیل دهند. سلطان عثمانی از محمد علی پاشا، امیر مصر (۱۲۲۰-۱۲۶۴ق) خواست که به مقابله با آل سعود برخیزد. جنگ‌های نیروهای مصری از سال ۱۲۲۶ آغاز شد و تا سال ۱۲۳۳ق که درعیه به دست مصری‌ها فتح شد و عبدالله بن سعود دستگیر و به استانبول فرستاده شد، ادامه یافت. بدین ترتیب دولت اول سعودی خاتمه یافت (ر.ک: العشیم، ۱۴۱۴ق، ج ۱، صص ۲۲۱-۲۰۷).

منابع مطالعه واقعه در آثار غربیان

در اواخر سده هجدهم میلادی، گزارش‌هایی درباره وهابیان ساکن نجد در آثار برخی جهانگردان غربی ارائه شد (Niebuhr, 1792, V.2, P.131). اما تنها بعد از واقعه کربلا بود که کنجکاوای غربیان درباره این گروه برانگیخته شد و آثار مستقلی درباره وهابیان به نگارش درآوردند.

گزارش لویی الکساندر الیویه دو کورانس^۱ (۱۷۷۰-۱۸۱۰م) از وهابیان که در سال ۱۸۰۴م در روزنامه لومونیتور در فرانسه منتشر شد (دو کورانسیه، ۱۴۲۶ق، ص ۲۳). از نخستین گزارش‌های اروپاییان درباره وهابیت بعد از ماجرای حمله به کربلاست. همین گزارش هسته اصلی کتاب دو کورانس درباره وهابیان با عنوان *تاریخ وهابیان از شکل‌گیری تا پایان سال ۱۸۰۹م* را تشکیل می‌داد که در سال ۱۸۱۰م در پاریس منتشر شد^۲ و احتمالاً نخستین کتاب مستقل درباره وهابیان در زبان‌های اروپایی است. دو کورانس عضو هیئت علمی همراه ناپلئون بود که در سال ۱۷۹۸م به مصر رفتند. او از سال ۱۸۰۲م کنسول فرانسه در شهر حلب شد (دو کورانسیه، ۱۴۲۶ق، ص ۸). کتاب دو کورانس با نام *تاریخ الوهابیین منذ نشأتهم حتی عام ۱۸۰۹م* به عربی ترجمه شده است.^۳

پیش از انتشار کتاب دو کورانس، در سال ۱۸۰۶م، جان ریمون، افسر توپخانه فرانسه در بغداد، گزارشی برای معرفی وهابیان به وزیر امور خارجه فرانسه نوشته بود که بخشی از آن به گزارش حمله وهابیان به کربلا اختصاص داشت. این گزارش بعدها در سال ۱۹۲۵م توسط انجمن سلطنتی جغرافیایی مصر در این کشور به زبان فرانسه منتشر شد^۴ (ریمون، ۱۴۲۴ق، ص ۱۱). جدیدترین ترجمه کتاب از محمد خیر البقاعی به نام *التذکره فی اصل الوهابیین و دولتهم در ریاض* منتشر شده است.

کتاب ژان بابتیست لویی ژاک روسو^۵ (۱۷۸۰-۱۸۳۱م)، دیپلمات فرانسوی با عنوان *توصیف ولایت بغداد به ضمیمه تاریخ مختصر وهابیان*^۱ با مقدمه سیلواستر دو

1. Louis alexander Olivier de corancez
2. Louis alexander Olivier de corancez, *histoire des wahabis, depuis leur origine jusqu a al fin de 1809*, Paris, Chez Crapart, 1810.
۳. لويس الکسندر اوليفيه دو کورانسیه، *تاریخ الوهابیین منذ نشأتهم حتی عام ۱۸۰۹م*، ترجمه محمد خیر البقاعی، ابراهیم یوسف البلوی، ریاض، داره الملك عبدالعزيز، ۱۴۲۶ق.
4. *Mémoire sur les trois plus fameuses sectes du Musulmanisme, les Wahabis, les Nosairis, et les Ismaélis*".
5. jean Baptiste Louis Jacques Rousseau.

ساسی^۲ نیز یک سال قبل از کتاب دوکورانسه و در سال ۱۸۰۹م در پاریس منتشر شد. روسو در سال ۱۸۰۵م کنسول فرانسه در بصره، و در سال ۱۸۰۷م در سفارت فرانسه در تهران مشغول به کار شد. در سال ۱۸۰۸م کنسول فرانسه در حلب، و سپس از سال ۱۸۱۴م کنسول این کشور در بغداد شد و در نهایت به طرابلس رفت و در آنجا درگذشت (روسو، ۲۰۱۶م، ص ۱۰-۱۱). کتاب او با عنوان وصف ولایة بغداد، به قلم محمد خیر البقاعی به عربی ترجمه شده است.^۳

دومینگو بادیا ای لبلیچ^۴ (۱۷۶۶-۱۸۱۸م) مشهور به علی بیگ عباسی، خاورشناس و جهانگرد اسپانیایی در سال ۱۸۰۶م و در حالی که وهابیان نیز در ایام حج به مکه آمده بودند، در این شهر حضور داشته و گزارش منحصر به فردی از مشاهداتش از وهابیان در مکه ارائه کرده است. او در گزارشی که از تاریخ وهابیان ارائه کرده، به اختصار به ماجرای حمله آنان به کربلا نیز اشاره کرده است.^۵ سفرنامه بادیا ای لبلیچ در سال ۱۸۱۴م به زبان فرانسه منتشر، و دو سال بعد به انگلیسی ترجمه شد.^۶

یکی از منابع تاریخ دولت اول آل سعود که گزارش های مفیدی درباره هجوم آل سعود به کربلا دارد، کتاب تاریخ مصر در عهد محمد علی، نوشته فلیکس منترین^۷ فرانسوی، یکی از اعضای هیئت علمی همراه ناپلئون در حمله به مصر بود که بعد از

1. jean Baptiste Louis Jacques Rousseau, Description du pachalik de Baghdad paris, Treuttel et Würtz, 1809.

2. Silvestre de Sacy.

۳. جان باتیست لوئیس جاک روسو، وصف ولایة بغداد بدیلة نبذة تاریخیة عن الوهابیین و اخری عن الیزیدیین، ترجمه محمد خیر البقاعی، بیروت، جداول، ۲۰۱۶.

۴. Domingo Badia y Leblich.

۵. درباره این سفرنامه ر.ک: کامران محمدحسینی، «وهابیت در سفرنامه دومینگو بادیا ای لبلیچ»، فصلنامه میقات حج، شماره ۱۰۴، بهار ۱۳۹۷.

6. Travels of Ali Bey, (In Morocco, Tripoli, Cyprus, Egypt, Arabia, Syria and Turkey: Between the Years 1803 and 1807), London, Longman, Hurst, Rees, Orme, and Brown, 1816.

7. Felix Mengin.

خروج ناپلئون نیز در این کشور ماند. او از دوستان محمد علی پاشا و از کارکنان نمایندگی دولت فرانسه در قاهره بود (مانجان، ۱۴۲۴ق، ص ۹ - ۱۰). کتاب منژین در سال ۱۸۲۳م در پاریس منتشر شد.^۱ گزارش‌های منژین درباره آل سعود در کتاب مستقلی جمع‌آوری و به عربی ترجمه شده است.^۲

جان لوئیس بورکهارت^۳ (۱۷۸۴ - ۱۸۱۷م) خاورشناس مشهور سوئیسی بود که سفرهای اکتشافی و علمی به جزیره‌العرب انجام داد و بقایای شهر باستانی پترو را کشف کرد. او در سال ۱۸۱۴م به مکه سفر کرد (بورکهارت، ۱۴۳۵ق، ص ۱۹-۲۱). گزارش‌های او درباره وهابیان از پژوهش‌های معتبر در این باب به شمار می‌آید. او افزون بر سفرنامه‌اش از سفر به مکه، در سال ۱۸۳۱م در لندن کتابی با عنوان *یادداشت‌هایی در باب بدویان و وهابیان*^۴ نوشته و در آن تاریخ وهابیان و آداب و شیوه شیوه زندگی و عقاید و حکومتشان را شرح داده است. عبدالله صالح عثمان این کتاب را به عربی ترجمه کرده است.^۵

هارفورد جونز بریجز^۶ (۱۷۶۴م) دیپلمات انگلیسی، از سال ۱۷۸۴م در نمایندگی شرکت هند شرقی در شهرهای بصره و کویت خدمت کرد. از سال ۱۷۹۸م (۱۲۱۳ق) نماینده سیاسی شرکت هند شرقی در بغداد بود و تا سال ۱۸۰۶م در این سمت باقی ماند و از سال بعد به تهران فرستاده شد (بریجز، ۱۴۲۶ق، ص ۱۵-۲۵). بریجز در هنگام

1. Flix Mengin, *Histoire de l'Égypte sous le gouvernement de Mohammed - Aly*, Paris, Bertrand, 1823.

۲. فیلکس مانجان، *تاریخ الدولة السعودية الاولى و حملات محمد علی علی الجزيرة العربية* من کتاب تاریخ مصرفی عهد محمد علی، محمد خیر محمود البقاعی، ریاض، داره الملك عبدالعزيز، ۱۴۲۴.

3. John Lewis Burckhardt.

4. John Lewis Burckhardt, *NOTES ON the Bedouins and wahaby*, H. Colburn and R. Bentley, 1831.

۵. جون لوئیس بورکهارت، *ملاحظات عن البدو والوهابيين*، عبدالله صالح العثمان، ریاض، داره الملك عبدالعزيز، ۱۴۳۵.

6. Sir Harford Jones Brydges.

حمله وهابیان به کربلا در بغداد حضور داشت و از نزدیک شاهد اقدامات حاکم بغداد علیه وهابیان بود. او کتاب گزارش سفر به تهران را همراه با ضمیمه‌ای با عنوان تاریخ مختصر وهابیت در سال ۱۸۳۴م منتشر کرد.^۱ هسته اصلی مطالب کتاب او درباره واقعه کربلا، و پیش از آن بر مبنای کتاب بورکهارت سامان یافته است. اما در بخش ضمایم کتاب، گزارش منحصر به فردی از این واقعه به نقل از یکی از اهالی کاظمین به چاپ رسانده است.

تحلیل‌های غربیان از زمینه‌های واقعه

منابع نزدیک به آل سعود، حمله به کربلا (۱۲۱۶ق/۱۸۰۱م) را از دیدگاه دینی توجیه، و آن را ستیز علیه مرتدان تصویر می‌کنند (ابن بشر، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۲۵۷). سعود بن عبدالعزیز در نامه‌ای به پادشاه ایران که در برخی منابع تاریخی نقل شده، ضمن اینکه خود را مأمور به تصفیه دین مبین دانسته، دلیل کشتار کربلا را صلاح‌ناپذیر بودن مردم آن شهر اعلام کرده است (اصفهانی، ۱۳۵۲ش، ص ۴۱۲). در مقابل، نویسندگان شیعه نیز در تحلیل واقعه حمله آل سعود به کربلا، منظر مذهبی دارند و حمله وهابیان به کربلا را بر پایه باورهای نادرست و تعصب‌آمیز وهابیان درباره شیعه تحلیل، و گاه این واقعه را با واقعه شهادت امام حسین (۶۱ق)، و اقدامات وهابیان را با عملکرد بنی‌امیه مقایسه می‌کنند (امین، ۱۴۳۲ق، ص ۳۰).

نویسندگان غربی نیز در نوشته‌های خود به انگیزه‌های دینی این عمل اشاره کرده‌اند (Burckhardt, 1831, V2, P152). اما عمدتاً این واقعه را از دیدگاه تحلیل مناسبات قدرت نگرین و زمینه‌ها و پیامدهای اقتصادی و سیاسی آن را در نظر آورده‌اند. از همین روست که علی‌بای عباسی در سفرنامه خود (نوشته‌شده در ۱۸۱۴م) حمله وهابیان به کربلا را همچون توسعه سرزمینی این گروه نگرین و با اشاره به نزدیکی کربلا به بغداد، این واقعه را گامی از برنامه وهابیان برای حمله به بغداد ارزیابی کرده

1. sir Harford jones brydges, *An Account of the Transactions of His Majesty's Mission to the Court of Persia*, Great Britain, J. Bohn, 1834.

است (Ali Bey, 1816, V2, P153). جان لوئیس بورکهارت هم به حمله وهابیان به کربلا از منظر اقتصادی و سیاسی نگریسته و از قول عرب‌ها یکی از عوامل قدرت‌یابی سعود بن عبدالعزیز را غارت غنائم کربلا دانسته است. (Burckhardt, 1831, V2, P162). در گزارشی که واسیلیف در کتاب خود از آرشیو سیاست خارجی روسیه نقل کرده است، به انگیزه اقتصادی حمله وهابیان به کربلا اشاره شده است. بر اساس این گزارش، وهابیان رؤیای دستیابی به گنجینه‌هایی را در سر می‌پروراندند که مشهور بود شاهان ایران در طی سده‌ها به این شهر اهدا کرده بودند (فاسیلیف، ۱۹۹۵م، ص ۱۳۲-۱۳۳).

حضور وهابیان در کربلا، یعنی در نزدیکی بغداد، غربیان را نیز به طور جدی متوجه این جنبش تازه کرد و چنان که گفته شد، بعد از این واقعه بود که نویسندگان غربی به نگارش کتاب‌های مستقل درباره این فرقه پرداختند و نخستین نویسندگان نیز کارگزاران سیاسی فرانسوی و انگلیسی در عراق بودند. این واقعه، خطر وهابیان و آل سعود را به دولت عثمانی هم نشان داد و حتی شاه ایران را نیز به واکنش واداشت (دنبلی، ۱۳۸۳ش، ص ۱۵۱) و این موضوعی است که مورد توجه ناظران غربی قرار گرفت (فاسیلیف، ۱۹۹۵م، ص ۱۳۴).

شکست امپراتوری عثمانیان از عرب‌های نجد، با توجه به روابط رقابت‌آمیز قدرت در سطح جهانی، معنای مهمی داشت و نشانه‌ای بر ضعف امپراتوری بود و نویسندگانی که در این مقاله مورد اشاره‌اند، همگی در این باره اتفاق نظر دارند. هر چند سلیمان پاشا (حک ۱۷۸۰ - ۱۸۰۲م) حاکم وقت بغداد و نماینده دولت عثمانی در منطقه، در سال ۱۲۱۳ قمری تصمیم گرفت به مقابله و جنگ با وهابیان برخیزد، اما چنان که لویی دو کورانس فرانسوی می‌گوید، آن موقع برای این اقدام دیر شده بود. به نظر او واکنش‌گند دولت عثمانی، نتیجه ضعف داخلی امپراتوری بود که در آن زمان دیگر تنها نامی از آن باقی مانده بود؛ امپراتوری‌ای که به گفته دو کورانس، سلطه بر قلمروش را تنها با تفرقه انداختن بین نواحی مختلف و درگیر کردن یکی با دیگری نگه داشته بود (De corancez, 1810, P.25).

بورکهارت نیز به تعویق انداختن واکنش بغداد علیه وهابیان را به وخامت اوضاع مالی پاشای بغداد مرتبط دانسته است (Burckhardt, 1831, V2, P184)؛ نظری که هارفورد جونز بریجز - که چند سال در بغداد و در ارتباط نزدیک با سلیمان پاشا زندگی می کرد - آن را نپذیرفته و از درآمد بالای پاشای بغداد سخن گفته است (brydges, 1834, V2, P17).

با این حال بریجز در گزارش خود از برخی دیگر از عوامل شکست نیروهای عثمانی خبر می دهد که نشان دهنده پیچیدگی اوضاع داخلی و ضعف سیاسی حکومت عراق بود. به گفته او حملات وهابیان به جنوب عراق از دهه ۱۷۸۰ میلادی آغاز شده بود و اشتباه اصلی بغداد را در این می داند که اجازه داد وهابیان با قبیله بزرگ بنی خالد در جنوب عراق متحد شوند (brydges, 1834, V2, P9 - 10). برخی نیز درگیری حکومت عثمانی با فرانسه در مصر را عامل بی توجهی و غفلت از خطر وهابیان دانسته اند (موجانی، ۱۳۹۰ ص ۶۰). به هر حال پاشای بغداد تنها پس از تصرف احساء به دست آل سعود و بالاگرفتن تنش ها بین آل سعود و قبایل جنوب عراق به فکر جنگ با وهابیان افتاد (ر.ک: الوردی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، صص ۱۸۵-۱۸۳؛ العثیمین، ۱۴۱۴، ج ۱، صص ۱۷۳-۱۶۵).

در سال ۱۷۹۸م/۱۲۱۳ق سلیمان پاشا نیروی نظامی بزرگی را که ترکیبی از نیروهای عثمانی و قبایل عربی بود، به فرماندهی داماد و جانشینش علی کدخدا (کتخدا / کیخیا) به جنگ وهابیان فرستاد (ابن بشر، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۲۵۱). هارفورد جونز بریجز که خود در این زمان در بغداد به سر می برد و با علی پاشا پیش از اعزامش در اردوگاه نیروهای نظامی در خارج از بغداد دیدار کرده بود، بر آن است که اهل خبره از همان زمان نیز می توانستند شکست علی پاشا را پیش بینی کنند؛ چرا که او از نظامیگری سر رشته ای نداشت و رفتارش با قبایل عربی که به او پیوسته بودند، غرور آمیز بود (brydges, 1834, V2, P19). بریجز که نگاهی سخت انتقادی به علی پاشا دارد و بی کفایتی او را عامل اصلی شکست از وهابیان می داند (brydges, 1834, V2, P22)، در

عین حال احتمال حضور و نقش برخی از پاشاهای بغداد را که پنهانی با وهابیان پیوند داشتند، قوی دانسته است (brydges, 1834, V2, P23). این مسئله را برخی از تاریخ‌های نجد نیز تأیید می‌کنند؛ برای نمونه عبدالوهاب بن محمد بن حمیدان که از علمای مخالف وهابیان بود، در رساله‌ای که در تاریخ نجد نوشته، از برخی از بیک‌های عراق یاد کرده که همراه علی کدخدا بودند و او را به صلح با ابن سعود تشویق می‌کردند و با اینکه سلیمان پاشا پیش‌تر علی را از مشورت این افراد بر حذر داشته بود، اما او از ترس خیانت آنان صلح را پذیرفت (آل بسام، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۶۶).

به هر حال حرکت این سپاه در مناطق بیابانی کم‌آب با مشکلات زیادی همراه شد و عدم موفقیت آنان در فتح قلعه‌های احساء، آنان را به صلح با وهابیان راضی کرد (الوردی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۸۶). در نتیجه علی پاشا به بغداد بازگشت، در حالی که فرستاده سعود بن عبدالعزیز برای مذاکرات صلح همراه آنان بود. (brydges, 1834, P23). شکست لشکرکشی علی پاشا علیه وهابیان، ضعف قدرت عثمانیان را آشکار ساخت و سعود را برای فتوحات بیشتر تشویق کرد. همین مسئله، یکی از عواملی بود که به شکست مذاکرات صلح انجامید و حمله به کربلا را در پی داشت (Burekhardt, 1831, V2, P186).

بورکهارت به ماجرای که به شکسته شدن صلح بین وهابیان و سلیمان پاشا انجامید اشاره کرده است (Burekhardt, 1831, V2, P186). این واقعه در منابع به صورت‌های مختلفی روایت شده است. براساس یکی از گزارش‌ها گروهی از قبایل جنوب عراق به یکی از کاروان‌های ایرانی که وهابیان نگهبان آن بودند، حمله کردند (brydges, 1834, V2, P27). صورت دیگری از روایت‌ها حاکی از درگیری قبیله خزاعل با گروهی از وهابیان است که برای تجارت به نجف آمده بودند. در این واقعه، تعدادی از وهابیان کشته شدند و آنان از سلیمان پاشا برای کشته‌شدگان طلب غرامت کردند (ریمون، ۱۴۲۴ق، ص ۶۷؛ قورشون، ۱۴۲۸ق، صص ۶۱-۶۰). سلیمان پاشا عبدالعزیز الشاوی را برای مذاکره در این باره به درعیه فرستاد (ابن سند، ۱۴۳۱ق، ص ۳۲۸)؛ اما این مذاکرات سودی نداشت (ریمون، ۱۴۲۴ق، ص ۶۷؛ لونگریک، بی‌تا، ص ۲۶۰).

شرح واقعه در منابع غربی

از آنجا که نویسندگان مورد نظر، اغلب به برخی منابع اطلاعاتی خاص از قبیل اسناد حکومتی دسترسی داشته‌اند، در نگاه اول به نظر می‌رسد بتوان آگاهی‌های قابل توجهی را از آثارشان استخراج کرد. گزارش این منابع درباره برخی جزئیات واقعه، مانند زمان، تعداد مهاجمان، تعداد کشته‌شدگان، شدت کشتارها و کم و کیف اموالی که از کربلا سرقت شد، موضوعاتی است که در ادامه مورد بررسی قرار گرفته و اطلاعات این کتاب‌ها با هم، و نیز با دیگر منابع تاریخی مقایسه شده است.

تاریخ دقیق واقعه در منابع گوناگون با اختلاف ثبت شده است. نویسندگانی که آثارشان در این نوشتار مورد بررسی است، تاریخ واقعه حمله وهابیان به کربلا را ۲۰ آوریل سال ۱۸۰۱ دانسته‌اند (De corancez, 1810, Rousseau, 1809, P73 ; Burckhardt, 1831, V2, P186). در این روز که مطابق با ۱۸ ذی الحجه سال ۱۲۱۶ق و عید غدیر خم بوده، بیشتر اهالی کربلا به قصد زیارت مشهد امام علی در نجف از کربلا خارج شده بودند (De corancez, 1810, P27)؛ مسئله‌ای که دیگر منابع نیز بدان اشاره کرده‌اند. (اصفهانی، ۱۳۵۲ش، ص ۴۰۸؛ مرعشی، ۱۳۶۲ش، ص ۱۵۱). منترین این روز را به اشتباه، روز عید قربان دانسته است (Mengin, 1823, V2, P522). برخی پژوهشگران ۱۸ ذی الحجه سال ۱۲۱۶ق را با ۲۲ آوریل سال ۱۸۰۲م مطابق دانسته‌اند (دو کورانسیه، ۱۴۲۶، ص ۵۶، پاورقی مترجم) و ثبت تاریخ ۱۸۰۱م را اشتباه می‌دانند (فاسیلیف، ۱۹۹۵م، ص ۱۳۲). در گزارش جان ریمون از واقعه نیز تاریخ ۱۸۰۲م ثبت شده است. او این تاریخ را روز شهادت امام علی علیه السلام دانسته و به سفر اهل کربلا به نجف اشاره کرده است (ریمون، ۱۴۲۴ق، ص ۶۸). با اینکه بیشتر منابع درباره وقوع حمله در ذی الحجه و روز عید غدیر هم سخن‌اند، عنوان *المجد* که یکی از منابع تاریخ نجد و آل سعود است، تاریخ حمله سعود بن عبدالعزیز به کربلا را ماه ذی القعدة سال ۱۲۱۶ق دانسته است (ابن بشر، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۲۵۷). برخی از منابع دیگر نیز حمله سعود بن عبدالعزیز به کربلا را سال ۱۲۱۷ق دانسته‌اند (آل بسام، ج ۴، ص ۱۶۸).

مباحث

درباره تعداد نیروهای وهابی اختلاف زیادی در منابع وجود دارد. آثار مورد بررسی در این نوشتار عددهای پنج هزار (Rousseau, 1809, P73)، هفت هزار (brydges, 1834, V2, P201)، ده هزار (ریمون، ۱۴۲۴ق، ص ۶۹)، دوازده هزار (Decorancez, 1810, P27) و بیست هزار نفر (Mengin, 1823, V2, P522) را قید کرده‌اند و نویسنده مسیر طالبی که از منابع فارسی نزدیک به زمان واقعه است، عدد ۲۵ هزار نفر (اصفهانی، ۱۳۵۲ش، ص ۴۰۸) را ذکر کرده و برخی منابع این عدد تا پنجاه هزار تن رسانده‌اند (مرعشی، ۱۳۶۲ش، ص ۱۵۱).

آنچه از کیفیت حادثه مورد توجه ناظران غربی بوده، شدت خشونت‌ها، تعداد کشته‌شدگان و میزان اموال غارت شده است. وصف روسو از ماجرا که گویا بر پایه روایت مردم بغداد از ماجرا استوار بوده، دردناک‌تر از دیگر نویسندگان است. به گفته او، وهابیان به زنان و کودکان و پیرمردان هم رحم نمی‌کردند و حتی شکم زنان باردار را می‌دریدند. او از زبان برخی از مردم بغداد نقل می‌کند که برخی از مهاجمان حتی خون قربانیان را می‌نوشیدند (Rousseau, 1809, P73-74). دو کورآنسه هم به دریدن شکم زنان باردار اشاره کرده و به اینکه همه مردانی که در حرم امام حسین علیه السلام بودند در این واقعه کشته شدند (De.corancez, 1810, P28) جان ریمون نیز از کشته شدن مردان و زنان و کودکان به دست وهابیان سخن گفته است (ریمون، ۱۴۲۴ق، ص ۷۰). اما برخی دیگر از نویسندگان، از جمله منژین (Mengin, 1823, V2, P522) و بورکهارت (Burekhardt, 1831, V2, P186)، از عدم تعرض وهابیان به کهن سالان، زنان و کودکان و ناتوانان خبر داده‌اند. همچنین به گفته بورکهارت، محله عباسیه، به دلیل آنچه او «احترام وهابیان به بنیانگذاران آن» دانسته، از کشتار مصون ماند. مصون ماندن «محله حضرت عباس و گنبد آن جناب» از کشتار و تخریب را نویسنده مسیر طالبی هم تأیید کرده است (اصفهانی، ۱۳۵۲ش، ص ۴۰۹). اما این مسئله توسط دیگر منابع گزارش نشده است؛ برای نمونه در برخی تحقیقات، از بازسازی قبه حضرت عباس بعد از حمله وهابیان و تخریب آن توسط آنان یاد شده است (الطعمه، ۱۴۰۳ق، ص ۶۳).

۱. شاید بورکهارت به اشتباه، محله عباسیه را مرتبط با سلسله خلفای بنی عباس دانسته است.

درباره تعداد کشته‌شدگان نیز گزارش‌ها متفاوت است. دو کورآنسه از مرگ سه هزار تن از مردم کربلا در این حمله خبر داده است (De corancez, 1810, P28). روسو این تعداد را چهار هزار تن دانسته (Rousseau, 1809, P74) و منژین گفته است که همه اهالی کربلا، غیر از کودکان و زنان و پیرمردان و ناتوانان کشته شدند (Mengin, 1823, V2, P522). بورکهارت تعداد کشته‌شدگان را پنج هزار تن دانسته است (Burckhardt, 1831, V2, P186) تاریخ‌نگاران نزدیک به آل‌سعود، تعداد کشته‌شدگان را حدود دو هزار تن شمرده‌اند (ابن بشر، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۲۵۸). برخی از منابع غیر غربی هم تعداد کشته‌شدگان را بیش از پنج هزار تن برآورد کرده‌اند (اصفهانی، ۱۳۵۲ش، ص ۴۰۸؛ حسینی فسایی، ۱۳۸۲ش، ج ۱، ص ۶۸۴؛ دنبلی، ۱۳۸۳ش، ص ۱۵۰) و نیز از شش هزار و بیش از آن سخن گفته‌اند (مرعشی، ۱۳۶۲ش، ص ۱۵۱؛ خاوری، ۱۳۸۰ش، ص ۱۶۹).

هارفورد جونز بریجز که در متن کتابش به اختصار به حادثه اشاره کرده است، در بخش ضمایم کتاب خود، گزارشی از شرح واقعه حمله به کربلا را از زبان یک بازرگان کاظمینی به نام حاج حسین منتشر کرده است. او نیز تعداد کشته‌شدگان را سه هزار تن دانسته، اما تصریح کرده که امکان برآورد دقیق تعداد کشتگان وجود نداشته است. در یادداشتی که در پاورقی همین مطلب آمده و ظاهراً از بریجز است، نوشته شده که بر اساس گزارش‌های رسیده از واقعه، تعداد کشته‌شدگان را باید بین پنج تا شش هزار تن دانست (brydges, 1834, V2, P203).

گفته شد که اهمیت اقتصادی حمله به کربلا از دیدگاه نویسندگان غربی برجسته شده است. این نویسندگان به شرح اموال غارت‌شده از کربلا پرداخته و به تأثیر این غارت و ثروت حاصل از آن در رشد دولت سعودی اشاره کرده‌اند. منژین به موقعیت خوب تجاری کربلا که نزدیک رود فرات قرار داشت و نیز به اموالی که به اماکن مذهبی این شهر اهدا می‌شد، اشاره کرده است (Mengin, 1823, V2, P522).

دو کورآنسه در شرح اموالی که از کربلا برده شد، می‌نویسد:

غنیمت‌ها غیر قابل وصف بود. مشهد امام [حسین علیه السلام] به پارچه‌ای پوشیده شده بود که با دانه‌های بزرگ مروارید، که برخی کمیاب بودند، تزیین شده بود. وهابیان این گنج و دیگر گنج‌هایی را که از سرزمین فارس آمده بود، به غنیمت بردند. آنها مسجد را تخریب کردند و مناره‌های مسجد را نابود کردند و صفحه‌های مسی قبه را که فکر می‌کردند از طلا است، کنندند و این غنائم را با شتری به درعیه بردند. (De.corancez, 1810, P28)

روسو تعداد شترهایی را که غنائم را با خود می‌بردند، دویست نفر ثبت کرده است (Rousseau, 1809, P74).

به گزارش منژین، سعودیان نتوانستند به اموالی که در حرم امام حسین علیه السلام پنهان شده بود، دست یابند (Mengin, 1823, V2, P523-1823, v2, p 523). این نکته‌ای است که بورکهارت هم در کتاب خود بدان اشاره کرده و گفته است که وهابیان قبه ضریح امام حسین علیه السلام را شکستند اما به اموال آن مسجد و مسجد امام علی علیه السلام در نجف که مخفی شده بود، دست نیافتند. این اموال بعد از این واقعه به بغداد منتقل شد (Burckhardt, 1831, V2, P187).

گزارش مفصل و منحصر به فردی از غنائمی که آل سعود از غارت کربلا به دست آوردند، در کتاب منژین از قول فردی که خودش در آن زمان همراه سعود بوده، ذکر شده است. هارفورد بریجز نیز این گزارش را از کتاب منژین در بخش تعلیقات کتابش نقل کرده، در حالی که از صحت آن اظهار بی‌اطلاعی می‌کند (brydges, 1834, V2, P203). بنابر این گزارش، سعودی‌ها بیست شمشیر طلاکاری شده و تزیین شده با طلا و جواهر از جوار قبر امام حسین علیه السلام پیدا کردند. نیز مرواریدی که به اندازه تخم کبوتر بود و در برابر قبر آن حضرت آویزان شده بود. این مروارید و سلاح‌ها سهم سعود شد. سعودی‌ها گلدان‌ها و چراغ‌های گران‌قیمت و گنجینه‌های شمش طلا و نقره را غارت کردند و تکه‌های طلایی باارزش را از دیوارها و تزیینات چوبی کنندند. بین غنایمی که به دست آوردند، یک فرش ایرانی نفیس نیز

وجود داشت. آنان خانه‌ها و خیابان‌ها را نیز غارت، و مقدار زیادی حریر هندی و چهار هزار شال کشمیری و دو هزار شمشیر و دو هزار و پانصد تفنگ (بندقه) و تعدادی کنیز سیاه و حبشی و مقدار زیادی پول نقد کشورهای مختلف و جواهرات و یاقوت سرخ و زمرد و الماس و گنجینه‌های دیگری از طلا و نقره با خود بردند (Mengin, 1823, V2, P523).

نویسنده *عنوان‌المجد* که به سعودیان نزدیک است، نوشته که سعودی‌ها آنچه را در قبه و اطرافش بود، برداشتند و نیز سنگی را که بر روی قبر گذاشته بودند که با زمرد و یاقوت و جواهرات پوشیده شده بود و نیز هر چه در شهر بود، از اموال و سلاح و لباس و فرض و طلا و نقره و نسخه‌های گران‌قیمت قرآن و غیر از آنها را غارت کردند (ابن بشر، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۲۵۷).

از دیگر موضوعاتی که در گزارش‌های متعدد به صورت‌های متفاوتی منعکس شده است، مدت حضور وهابیان در شهر کربلاست. *عنوان‌المجد* این مدت را نصف روز (تا نزدیک ظهر) دانسته است (ابن بشر، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۲۵۸).

ریمون این مدت را پنج ساعت دانسته است (ریمون، ۱۴۲۴، ص ۷۱).

منزین مدت زمان غارت کربلا را حدود ۸ ساعت دانسته و گفته است که وهابیان بعد از ظهر از این شهر خارج شدند (Mengin, 1823, V2, P524).

گزارش حاج حسین که هارفورد بریجز در ضمیمه کتابش منتشر کرده، مدت حضور وهابیان را نه ساعت دانسته است (brydges, 1834, P203).

روسو مدت حضور وهابیان را دو روز و شب بیان کرده است (Rousseau, 1809, P74) و بورکهارت از پنج یا شش روز غارت شهر توسط وهابیان سخن گفته است (Burckhardt, 1831, V2, P187). شاید علت اختلاف را باید در نکته‌ای جست که نویسنده *مسیر طالبی* به آن اشاره کرده است. او می‌نویسد:

بعد بیرون رفتن وهابی، اعراب اطراف غلغله عود آنها انداخته، چون مردم به باغات خارج شهر برای مدافعه بیرون رفتند، خود فوج فوج داخل شهر گشته مس و برنج،

اموال ثقیله و آنچه از وهابی مانده بود، به غارت بردند. تمام آن شب و روز دیگر تاراج آنها امتداد داشت (اصفهانی، ۱۳۵۲ش، ص ۴۰۹).
اگر این گفته درست باشد، مدت حضور وهابیان در شهر با مدت غارت این شهر توسط دیگر اعراب، متفاوت خواهد بود.

پیامدهای یورش به کربلا

چنان که گفته شد، از دید غربیانی که در نیمه نخست سده هجدهم میلادی حمله وهابیان به کربلا را گزارش کرده‌اند، شکست نیروهای بغداد در جنگ در احساء و بعد از آن پیروزی وهابیان در یورش به کربلا، بیش از هر چیز ضعف دولت عثمانی را نمایان کرد. این موفقیت‌ها ترس وهابیان از عثمانی را از میان برد و به تعبیر هارفورد جونز به تقویت اعتماد به نفس آنان انجامید (brydges, 1834, V2, P27). می‌توان تصور کرد که چگونه پیروزی در حمله و غارت شهرهای پاشانشین عثمانی در نزدیکی بغداد، وهابیان را برای توسعه حرکت خود در دیگر مناطق عثمانی، از جمله حجاز و تصرف مکه و مدینه آماده کرده بود. از همان سال ۱۸۰۱م/۱۲۱۶ق وهابیان، توسعه قدرت خود به حجاز را با عزم و پافشاری بیشتری آغاز کردند (Burckhardt, 1831, V2, P189) سال بعد از این واقعه، حملات وهابیان به شهرهای حجاز از جمله طائف و مکه آغاز شد و در سال ۱۲۲۰ق/۱۸۰۵م شریف مکه، سلطه وهابیان را پذیرفت (ر.ک: زینی دحلان، بی‌تا، ص ۲۹۴-۳۲۳؛ وهبه، ۱۴۳۰ق، ص ۲۲۱-۲۲۵).

پیش‌تر اشاره شد که برخی از نویسندگان به نقش غنائم حاصل از غارت کربلا در توسعه قدرت وهابیان سخن گفته‌اند و حمله به کربلا و سپس فتح مکه را گام‌های پی‌در پی هم‌ارزیابی کرده‌اند (ر.ک: Rousseau, 1809, P157-158) از آن میان دو کورآنسه تأکید می‌کند که علاوه بر گنجینه‌ای که وهابیان از کربلا به دست آوردند، شدت خشونت‌ها اراده مقاومت در برابر آنان را سست کرد و این تصور ایجاد شد که کسی را یارای مقاومت در برابر وهابیان نیست و همین بود که عبدالعزیز را به فکر سلطه بر مکه انداخت (De corancez, 1810, P30).

جوزر بریجز گزارش می‌کند که حمله وهابیان چگونه برای سلیمان پاشا، حاکم بغداد، گران تمام شد؛ چون او هم باید به باب عالی پاسخ می‌داد و هم اینکه پادشاه ایران را که به دلیل کشته شدن ایرانیان و سرقت رفتن هدایای پادشاهان ایرانی از حرم امام حسین علیه السلام معترض بودند، آرام می‌کرد (brydges, 1834, V2, P27). سلیمان پاشا برای حفظ موقعیت خود به کار افتاد و ضمن ارسال هدایا برای پادشاه ایران و سلطان عثمانی، لشکری از قبایل عربی را به فتح درعیه فرستاد که البته ناموفق بود.

نتیجه‌گیری

بعد از بازخوانی واقعه حمله وهابیت به کربلا بر اساس آثار نویسندگان غربی، می‌توانیم به دو وجه پرسش این پژوهش درباره چگونگی توصیف واقعه و نیز منظر این نویسندگان به واقعه، پاسخ دهیم. شرح جزئیات واقعه در آثار غربیان، علی‌رغم نزدیکی آنان به واقعه از نظر زمانی و امکان دسترسی آنان به گزارش‌های دولتی، اختلاف زیادی با هم دارد و منابع گزارش غربیان از ماجرای حمله به کربلا، غالباً معتبر نبوده و گاه شنیده‌های رایج میان مردم را نیز شامل می‌شود. بدین ترتیب علی‌رغم اینکه این نویسندگان در کلیاتی نظیر اینکه این واقعه بسیار خشونت‌بار و فاجعه‌ای غم‌بار برای شهر کربلا بوده است با هم توافق دارند، در جزئیاتی مانند تعداد کشته‌شدگان، نحوه عملکرد وهابیان، مدت حضور آنان در این شهر و اموالی که از این شهر به یغما رفته، اطلاعات متفاوت و گاه متضادی ارائه کرده‌اند. با این حال در میان این آثار، برخی گزارش‌های منحصر به فرد وجود دارد؛ مانند گزارش کاملی که در کتاب منترین از اموال غارت‌شده از کربلا نقل شده است و نیز گزارش‌های بریجز از وضعیت بغداد و علی پاشا که علل شکست نیروهای عثمانی در برابر سعودیان را آشکار می‌کند.

وجه دوم پرسش این مقاله مربوط به چگونگی رویکرد نویسندگان مورد بحث در رابطه با حمله وهابیان به کربلا بود. توجه این نویسندگان به زمینه‌ها و سویه‌های سیاسی و اقتصادی این واقعه، حائز اهمیت است.

جایگاه شهر کربلا در نزدیکی بغداد موجب می‌شد که حمله به کربلا تهدید مستقیم امپراتوری عثمانی از سوی وهابیان به شمار آید. نویسندگان غربی، عامل ضعف امپراتوری عثمانی در جلوگیری از رشد وهابیت و نیز نقش انگیزه‌های اقتصادی در حمله وهابیان به کربلا را در نظر آورده‌اند.

منابع:

1. Ali Bey (1816), Travels of Ali Bey, (In Morocco, Tripoli, Cyprus, Egypt, Arabia, Syria and Turkey: Between the Years 1803 and 1807), London, Longman, Hurst, Rees, Orme, and Brown.
2. Brydges, sir Harford jones (1834) An Account of the Transactions of His Majesty's Mission to the Court of Persia, J. Bohn.
3. Burckhardt, john Lewis, (1831), NOTES ON the Bedouins and wahaby, H. Colburn and R. Bentley.
4. jean Baptiste Louis Jacques Rousseau (1809), Description du pachalik de Baghdad, paris, Treuttel et Würtz.
5. Histoire des wahabis depuis leur origine jusqu'a la fin de 1809
6. Flix Mengin(1823), Histoire de l'Égypte sous le gouvernement de Mohammed - Aly, Paris, Bertrand.
7. Niebuhr, Carsten (1792), Travels through Arabia and other countries in the East, IR. Morison and Son.

۸. آل بسام، عبدالله بن عبدالرحمان (بی تا)، خزانه التواریخ النجدیه، بی جا، بی نا.
۹. اصفهانی، ابوطالب بن محمد (۱۳۵۲ش)، مسیر طالبی یا سفرنامه میرزا ابوطالب خان، به کوشش حسین خدیوچم، تهران، شرکت کتاب‌های جیبی.
۱۰. امین، محسن (۱۴۳۲ق)، کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبدالوهاب، محسن الامین، مجمع العالمی لاهل البیت.
۱۱. بریدجز، هارفورد جونز (۱۴۲۶ق)، موجز لتاریخ الوهابی، ترجمه عویصه بن متیریک الجهنی، ریاض، داره ملک عبدالعزیز.
۱۲. بن بشر، عثمان بن عبدالله (۱۴۰۲ق)، عنوان المجد فی تاریخ النجد، تصحیح عبدالرحمن بن عبداللطیف آل شیخ، ریاض، داره الملک عبدالعزیز.

۱۳. بن سند الوائلی، عثمان (۱۴۳۱ق)، مطالع السعود بطیب اخبار الوالی داود تاریخ العراق و نجد، تحقیق عماد عبدالسلام رؤوف، بیروت، دار العربیه للموسوعات.
۱۴. بن غنام، حسین (۱۴۱۵ق)، تاریخ نجد، تصحیح ناصرالدین الاسد، بیروت، دار الشروق.
۱۵. بورکهارت، جون لوئیس (۱۴۳۵ق)، ملاحظات عن البدو والوهابیین، عبدالله الصالح العثیم، ریاض، داره الملك عبدالعزيز.
۱۶. حسینی فسایی، حسن (۱۳۸۲ش)، فارسنامه ناصری، تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران، امیر کبیر.
۱۷. خاوری، میرزا فضل الله (۱۳۸۰ش)، تاریخ ذوالقرنین، تصحیح ناصر افشار فر، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد.
۱۸. دنبلی، عبدالرزاق بیگ (۱۳۸۳ش)، مآثر السلطانیة، غلامحسین زرگری نژاد، تهران، مؤسسه انتشارات روزنامه ایران.
۱۹. دو کورانیسه، لوئیس الکسندر اولیفیه (۱۴۲۶ق)، تاریخ الوهابیین منذ نشأتهم حتی عام ۱۸۰۹م، ترجمه محمد خیر البقاعی، ابراهیم یوسف البلوی، ریاض، داره الملك عبدالعزيز.
۲۰. روسو، جان باتیست لوئیس جک (۲۰۱۶م)، وصف ولایة بغداد بذیلة نبذة تاریخیة عن الوهابیین و اخرى عن الیزیدیین، ترجمه محمد خیر البقاعی، بیروت.
۲۱. ریمون، جان (۱۴۲۴ق)، التذکرة فی اصل الوهابیین و دولتهم، ترجمه محمد خیر البقاعی، ریاض، داره الملك عبدالعزيز.
۲۲. زینی دحلان، احمد (بی تا)، امراء البلد الحرام، بیروت، دار المتحدة للنشر.
۲۳. طعمه، سلمان هادی (۱۴۰۳ق)، تراث كربلا، سلمان هادی الطعمه، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۴. عثیم، عبدالله الصالح (۱۴۱۴ق)، تاریخ المملكة العربیة السعودیه، ریاض، العیكان.
۲۵. فاسیلیف، الیکسی (۱۹۹۵م)، تاریخ العربیة السعودیه، بیروت، شركة المطبوعات للتوزیع و النشر.
۲۶. قورشون، زکریا (۱۴۲۸ق)، العثمانيون و آل سعود فی الارشیفی العثماني، بیروت، الدار العربیة للموسوعات.

٢٧. لونگریک، ستنفن هیمسلی (بی تا)، اربعه قرون من تاریخ بغداد الحدیث، ترجمه جعفر الخیاط، بی جا.
٢٨. مانجان، فیلکس (١٤٢٤ق)، تاریخ الدولة السعودیة الاولی و حملات محمد علی علی الجزیرة العربیة من کتاب تاریخ مصر فی عهد محمد علی، محمد خیر محمود البقاعی، ریاض، داره الملک عبدالعزیز.
٢٩. مرعشی، محمد خلیل (١٣٦٢ش)، مجمع التواریخ، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران، طهوری.
٣٠. موجانی، سیدعلی (١٣٩٠ش)، تقاریر نجد، با همکاری امیر عقیقی بخشایشی، قم، کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران.
٣١. وایندر، ریتشارد بایلی (١٤٣٤ق)، المملكة العربیة السعودیة فی القرن التاسع عشر المیلادی، ترجمه فهد بن عبدالله السماری، ریاض، داره الملک عبدالعزیز.
٣٢. وردی، علی (١٤١٣ق)، لمحات الاجتماعیة من تاریخ العراق الحدیث، قم، انتشارات شریف رضی.
٣٣. وهبه، حافظ (١٤٣٠ق)، جزیره العرب فی القرن العشرين، بیروت، الامیر طلال بن عبدالعزیز آل سعود.